



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



درسوگ

امام حسینؑ علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در سوگ امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	در سوگ امام حسین علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۸	چکیده
۹	سوگواری سید الشهداء _ علیه السلام _ از شعائر الهی است
۱۰	سیاه پوشیدن برای امام حسین _ علیه السلام _
۱۲	مجالس سوگواری چرا؟
۱۴	خودزنی و به سینه زدن برای امام حسین _ علیه السلام _
۱۵	زنجیر زنی
۱۶	شبهه خوانی و نمایش
۱۹	قمه زنی برای امام حسین _ علیه السلام _
۱۹	جواز قمه زنی
۱۹	رجحان قمه زنی
۱۹	قمه زنی نوعی إِبْکاء است
۲۰	قمه زنی نوعی هم‌رنگی و همراهی است
۲۰	یک شبهه و رد آن
۲۰	چندین حدیث مؤید
۲۰	چندین حدیث مؤید
۲۰	قمه زنی زینب کبری _ سلام الله علیها _
۲۱	خراشیدن صورت جایز است
۲۱	امام سجاد _ علیه السلام _ از چشمان خود خون می‌گیرد
۲۱	امام زمان _ علیه السلام _ هم خون گریه می‌کند

- ۲۲ تقریر امام در جاری کردن خون از بدن در مصیبت امام حسین _ علیه السلام _
- ۲۲ معجزه قمه زنی
- ۲۲ سخن کاشف الغطاء
- ۲۳ سخن یک پزشک عراقی
- ۲۳ نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی
- ۲۳ نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی
- ۲۳ فتوای میرزای نائینی «قدس سره»
- ۲۵ تأیید بقیه مراجع تقلید نسبت به این فتوا
- ۲۵ نظر کاشف الغطاء کبیر
- ۲۶ شیخ خضر بن شلال تأیید می‌کند
- ۲۶ تأکید آیت الله العظمی مامقانی
- ۲۶ نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی «قدس سره»
- ۲۷ پی نوشتها
- ۲۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

در سوگ امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: سید محمد شیرازی

ناشر: موسسه رسول اکرم (ص)

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطاهرين.

اما بعد: تشیع یعنی امتداد خط مستقیم اسلام، تشیع یعنی مکتبی تابنده و سازنده که بار رسالت اسلام را بر دوش خود احساس نموده، و در طول تاریخ خود با عناصر ضد دین و استعمارگران و طاغوت‌های هر عصر بی امان مبارزه کرده است. و همواره استقبال از شهادت و دادن خون خود، جانی تازه در کالبد مسلمین دمیده و آنان را از انزوای سیاسی و اجتماعی بیرون کشیده و به صحنه زندگی باز گردانده است.

پیامبر اسلام در عصر خود با آوردن قرآن مجید و رهنمودهای حیاتبخش، پیروان خود را از سنت‌های غلط جاهلی به ویژه تعصبات نژاد پرستی و ملیت گرایی بازداشته، و توجه آنان را به ارزش‌های متعالی انسانی و اسلامی جلب نمودند، و بر اساس همین تربیت اسلامی، ملیت‌های مختلف ترک و فارس و عرب و عجم جذب اسلام شده و بدون احساس کوچکترین تبعیض و امتیاز نژادی و ملیت در کنار هم می‌زیستند، و جامعه‌ای دور از فساد، فحشاء و منکرات و بی‌عدالتی داشتند.

اما پس از رحلت جانسوز پیامبر خدا حضرت محمد بن عبدالله _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و تغییر مسیر خلافت و امامت، سودجویان و آنها که بظاهر اسلام را پذیرفته بودند بر مسند خلافت نشستند و تنها ظواهری از اسلام را بکار بستند و در واقع حکومت اسلامی به یک حکومت نژادی، عربی و ناسیونال تبدیل گردید، و رفته رفته ملیت‌های غیر عرب از تشکیلات حکومت و دفاتر و ولایتها و پستها محروم شدند.

این وضع بطور تدریجی و البته با حفظ ظواهری از اسلام و عوامفریبی‌های فرمانروایان جای اسلام واقعی را می‌گرفت، روابط، قومیت، نژاد، نسبت‌های فامیلی کم کم جایگزین ضوابط اسلامی و انسانی شد.

فرمانروایان هر کدام جیب‌های خود و نزدیکان را از خزانه بیت المال پر می‌کردند، و زر اندوزیها و تشریفات مادی جایگزین زهد و پارسائی و زندگی ساده اسلامی گردید.

و در همین گیر و دارها که ملت اسلام از هر سو شاهد ظلم و بی‌عدالتیهای حکمرانان بنام اسلام بودند، هر گاه به سراغ زندگی فرزندان پیامبر می‌رفتند می‌دیدند همان زندگی ساده پیامبر، و همان روحیه مساوات و عدالت اسلامی و ارزش‌های مکتبی و ضوابط انسانی و اسلامی دست نخورده، در این خاندان موجود است، و با تمام وجود از آن پاسداری می‌کنند، دسترنج کشاورزی و محصول یک سال باغداری خود را در یک روز میان فقیرای شهر تقسیم می‌کنند، و سر یک سفره با کارگران مزرعه و غلام خود غذا می‌خوردند، از مناجات‌های شبانه با خداوند بهره‌مند، و پاکدامنی و تقوی در میان آنها در اعلی درجه می‌باشد.

وضع نابسامان حکومت اسلامی ادامه داشت تا زمان خلافت یزید پسر معاویه رسید، یزید که مست و مغرور سلطنت شده بود، احساس می‌کرد که دیگر نیازی به نفاق زیاد و حفظ ظواهر اسلامی نیست، و خلافت اسلامی بطور کامل تبدیل به یک سلطنت موروثی و متکی به سر نیزه شده است، لذا در جلسات خود به طور آشکار به قماربازی و میگساری می‌پرداخت، پس از مرگ

پدرش معاویه مختصر ظواهری که حفظ می‌شد و پرده‌هایی که در میان بود از بین رفت، و معلوم بود که با روی کار آمدن یزید دیگر مبارزه با اساس اسلام شروع خواهد شد.

لذا امام حسین _ علیه السلام _ حاضر به بیعت با یزید نشد و به فرمان خدا به قصد شناساندن ماهیت کثیف بنی امیه و زنده ساختن دین جدّ بزرگوارش خانه خدا را به سوی کربلای شهادت ترک گفت، و با ریختن خون خود و فرزندان و یارانش درس مقاومت و جانبازی و شهادت را به پیروان خود داد.

پس از حادثه کربلا که به انقراض دودمان کثیف بنی امیه منجر شد، شیعیان و پیروان آن حضرت همه ساله با برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی _ علیه السلام _ مرام و مکتب حضرتش را زنده نگاه داشته، و با نثار اشک و خون خویشتن به پاسداری از اسلام و حفظ قرآن کوشیدند، و لحظه‌ای در این راه تردید نکردند.

اینک کتابی که در دست دارید، یکی از آثار آیه الله شهید سید حسن شیرازی است، که به منظور خنثی سازی توطئه ایادی استعمار در تضعیف شعائر حسینی و برنامه های انقلابی مکتب عاشورا نوشته اند، شهید در این اثر خود کوشیده است شک و تردیدهایی که در مشروعیت برنامه های عزاداری امام حسین _ علیه السلام _ با استدلال به متون فقهی اسلامی و سیره امامان علیهم السلام و فتاوی علمای بزرگ برطرف ساخته، ملت مسلمان را در برگزاری هر چه با شکوهتر این مراسم تشویق نماید.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

حوزه علمیه قم

۱۴۰۰ / ۸ / ۱۵ قمری

علی کاظمی مومندی

چکیده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على اشرف المرسلين محمد المصطفى و أهل بيته الطاهرين.

در حدیث شریف نبوی که شیعه و سنی آنرا روایت نموده اند پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله _ صلی الله علیه و آله و سلم _ فرمودند:

«حسین منی و أنا من حسین».

یعنی: حسین از من، و من از حسینم.

این حدیث دارای دو بند است:

بند اول: «حسین منی» این قسمت واضح و روشن است، زیرا امام حسین _ علیه السلام _ فرزند دختر رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و نوه آن حضرت است.

بند دوم: «و أنا من حسین»، علماء این بند را چنین معنی کرده اند که: بقاء رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ به بقاء دین او «اسلام» است، و بقاء اسلام مرهون جهاد امام حسین _ علیه السلام _ و فداکاری او در راه خدا است.

اگر جریان عاشوراء و فداکاری امام حسین _ علیه السلام _ و یاران، و اهل بیتش در راه اسلام نبود، بنی امیه قرن‌ها پیش، اسلام را از بین برده بودند!

روی این حساب است که بقاء پیامبر _ صلی الله علیه و آله و سلم _ نیز از حسین _ علیه السلام _ است.

بنابراین حسین _ علیه السلام _ از پیامبر _ صلی الله علیه و آله و سلم _ است، که فرزند اوست.

و پیامبر _ صلی الله علیه و آله و سلم _ از حسین _ علیه السلام _ است که بقاء حضرتش از اوست. همان گونه که دانشمندی بزرگ در این باره گفته است: «الإسلام محمدیّ الوجود، و حسینیّ البقاء». یعنی: «پیدایش اسلام از محمد _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و بقاء آن از حسین _ علیه السلام _ است». از این رو ما درک می‌کنیم که بقاء اسلام در عصر حاضر نیز بستگی به حمایت از نهضت امام حسین _ علیه السلام _ و زنده نگاه داشتن انقلاب آن حضرت، هر چه با شکوهرتر برگزار کردن مجالس سوگواری و عزاداری حضرتش دارد. و زنده نگاهداشتن نهضت آن حضرت جز با پاسداری از شعائر حسینی که برنامه شیعیان در هر کجا از جهان پهناور در ایام عاشوراء و دیگر ایام است، امکان پذیر نیست.

زیرا شعائر حسینی یکنوع ممارست عملی و همه جانبه از داستان عاشوراء، و فاجعه کربلاء و فداکاری امام حسین _ علیه السلام _ در راه دین است.

و این شعائر است که در وجود انسانها روح حسینی و اسلامی را زنده می‌سازد.

اگر این شعائر متروک شود انقلاب حضرت بدست فراموشی سپرده خواهد شد، و بدنبال آن اسلام از بین خواهد رفت. با این بررسی مختصر به این نتیجه می‌رسیم که برگزاری مجالس عزاء حسین _ علیه السلام _ همه ساله و در هر منطقه یک نوع واجب کفائی است.

و در گذشته بعضی از بزرگان فقهاء و مجتهدین به وجوب آن فتوی داده اند.

و علت وجوب آن هم روشن شد که بقاء اسلام مرهون نهضت امام حسین _ علیه السلام _ و بقاء نهضت آن حضرت تنها با شعائر حسینی است، بنابراین بر پا داشتن شعائر حسینی سبب بقاء اسلام است.

و شاید معنی واقعی فرموده رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ که فرمودند: «حسین منی و أنا من حسین» همین باشد که اشاره شد.

سوگواری سید الشهداء _ علیه السلام _ از شعائر الهی است

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب».

یعنی: هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد آن نشانه روح تقوی است.

«شعائر» جمع شعیره به معنی علامت است.

یعنی: هر کس نشانه های الهی را بزرگ دارد نشان از تقوای روح او است.

و نشانه های خدا: هر چیزی است که انسان را به سوی خدا راهنمایی کند.

پس نماز جزء نشانه های خدا است، نماز جماعت از نشانه های خدا است، حج از نشانه های خدا است.

پیامبر و امام از نشانه های خدایند، بزرگداشت آنان بزرگداشت نشانه های خدا، و زنده نگاه داشتن یاد و راه و روش آنان، همه از نشانه های خداوند است.

بنابراین، ذکر مصیبت‌های حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ و برگزاری هر گونه عزاداری آن حضرت جزء شعائر الهی و نشانه خداوند است، زیرا این مجالس و یادبودها است که مردم را به سوی امام حسین _ علیه السلام _ و در واقع به سوی اسلام فرا می‌خواند، و این مجالس تعظیم شعائر و نشانه تقوای روح است.

و از این رو است که تمامی مراجع تقلید و فقهاء در طول تاریخ شیعه به رجحان اقامه شعائر حسینی و استحباب برگزاری آن فتوی

داده و همواره بر هر چه با شکوهتر شدن آن تأکید داشتند.

سیاه پوشیدن برای امام حسین _ علیه السلام _

چرا شیعیان در ایام محرم در عزای امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه می پوشند؟
برای آنکه اهل بیت رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ در عزای امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه پوشیده اند، و پیامبر خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ به ما دستور داده است که از خاندانش پیروی کنیم، آنجا که می فرماید:
«مثل أهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق و هوی».
یعنی: مثل اهل بیت من در میان شما بمانند کشتی نوح می باشند که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت، و هر کس از آن تخلف نمود دچار غرقاب و هلاکت گردید.

چه کسی از اهل بیت و در چه زمانی برای امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه پوشیده است؟
به روایات ذیل توجه فرمائید:

۱. شیخ برقی در کتاب «محاسن» روایت نموده است که: «هنگامی که امام حسین _ علیه السلام _ کشته شدند، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند. و از هیچ سرما و گرمائی شکایت نمی کردند، و امام زین العابدین _ علیه السلام _ برای آنان غذا تهیه می فرمود».

۲. شیخ نوری در «مستدرک الوسائل» ضمن روایتی نقل می کند که: امام زین العابدین _ علیه السلام _ را دیدند در حالی که جلیقه سیاه و شنلی پوشیده بودند.

۳. امام حسن مجتبی _ علیه السلام _ در عزای پدر بزرگوارشان امیر المؤمنین _ علیه السلام _ لباس سیاه پوشیدند.
در کتاب ناسخ التواریخ آمده است:

هنگامی که امیر المؤمنین _ علیه السلام _ دفن شدند و ابن ملجم به قتل رسید، ابن عباس بسوی مردم آمده گفت: امیر المؤمنین از دنیا رفت و بجای خود جانشین گذاشته است، اگر دوست دارید تا به میان شما آید، و اگر دوست ندارید هیچکس را اجباری در کار نیست.

مردم به گریه افتادند و گفتند: بگو تا به میان ما آید، امام حسن _ علیه السلام _ در حالتی که لباس سیاه به تن پوشیده بودند به میان مردم آمده، وارد مسجد شده و بر منبر رفتند.

۴. از پاره ای احادیث چنین فهمیده می شود که از نظر شیعه در عصر ائمه طاهرین علیهم السلام عادت بر این بوده است که مقداری از ماه محرم و صفر تا ماه ربیع الاول لباس سیاه می پوشیده اند، و این عمل مورد تقریر و امضاء فعلی و قولی ائمه علیهم السلام قرار گرفته است.

مرحوم علامه مجلسی به مناسبت روز نهم ربیع الأول حدیث مفصلی نقل می کند، و سپس می فرماید: ما احادیث دیگری یافته ایم که مؤید این مطلب است، و به این احادیث اعتماد می کنیم.

از احمد بن اسحاق قمی نماینده امام حسن عسکری _ علیه السلام _ روایت می کند که ضمن روایتی گفت:

... «امروز روز بیرون آوردن لباس سیاه است».

و این عادت که امروزه میان شیعیان رواج دارد که تا روز نهم ربیع سیاه می پوشند و در این روز از عزا در می آیند دنباله همان تقریر و امضای معصوم است.

و مرحوم سید بن طاوس قریب به این حدیث را در کتاب «الإقبال» از کتاب «نشروطی» با اسناد خود از حضرت امام علی بن موسی الرضا _ علیه السلام _ نقل می کند.

بنابراین، مادام که معصومین و اهل بیت علیهم السلام در عزای امیر المؤمنین _ علیه السلام _ و عزای امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه می‌پوشیده‌اند، چرا نباید ما لباس سیاه بر تن کنیم و به آنان اقتداء کنیم؟

س: آیا رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ لباس سیاه می‌پوشیده‌اند؟

ج. بله، رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ نیز لباس سیاه می‌پوشیده‌اند، به حدیث ذیل توجه فرمائید:

مرحوم شیخ صدوق از حضرت صادق _ علیه السلام _ ضمن حدیثی روایت می‌کند که فرمودند:

«خرج رسول الله _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و علیه خمیصه قد اشتمل بها، فقيل: يا رسول الله! من كساک هذا؟ فقال: كسانی حیبی».

یعنی: (رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ بیرون آمدند در حالی که خمیصی به تن پوشیده بودند، به حضرتش گفتند: یا رسول الله! چه کسی این لباس را به شما پوشانده است؟ فرمودند: دوستم).

در «المنجد» آمده است که «خمیص» نوعی پارچه سیاه چهار گوش است.

_ آیا امیر المؤمنین _ علیه السلام _ هم لباس سیاه پوشیده‌اند؟

_ بله، امیر المؤمنین _ علیه السلام _ نیز لباس سیاه می‌پوشیدند، به حدیث ذیل توجه فرمائید:

شیخ نوری «علیه الرحمه» در کتاب «مستدرک الوسائل» از ابی ظبیان نقل می‌کند که:

«خرج علينا علی _ علیه السلام _ فی إزار أصفر و خمیصه سوداء».

یعنی: علی _ علیه السلام _ به سوی ما بیرون آمد در حالی که لنگی زرد به کمر، و روپوشی سیاه بر تن داشتند.

_ آیا غیر از پیامبر خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و امیر المؤمنین _ علیه السلام _ از امامان علیهم السلام هم لباس سیاه پوشیده‌اند؟

_ بله، سایر امامان _ علیهم السلام _ نیز لباس سیاه می‌پوشیده‌اند.

اینک به چند حدیث ذیل توجه فرمائید:

۱. امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه پوشیدند.

مرحوم شیخ کلینی در کتاب «کافی» از حضرت باقر _ علیه السلام _ نقل می‌کند که فرمودند:

«قتل الحسين _ علیه السلام _ و علیه جبّه خزّ دکناء».

یعنی: حسین _ علیه السلام _ کشته شد در حالی که جبّه خزی سیاه رنگ به تن داشت.

۲. امام صادق _ علیه السلام _ هم لباس سیاه پوشیده‌اند.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب «وسائل الشیعه» از علل الشرائع مرحوم شیخ صدوق از داود رقی نقل می‌کند:

«شیعیان از حضرت صادق _ علیه السلام _ درباره لباس سیاه پوشیدن می‌پرسیدند، سپس حضرت را دیدیم که نشسته است در حالی که جبّه ای سیاه به تن دارد، کلاهی سیاه بر سر گذاشته، و کفشی متمایل به سیاه پوشیده‌اند، سپس قسمتی از آن را باز کرده و فرمودند:

«أما پنبه آن سیاه تر است».

۳. امام علی النقی حضرت هادی _ علیه السلام _ لباس سیاه می‌پوشیدند.

طبری امامی در کتاب «دلائل الإمامه» ضمن حدیث مفصّلی روایت کرده است که:

«امام علی بن محمد بن الرضا _ علیه السلام _ روزی در سامراء بیرون آمدند در حالی که سوار بر اسبی سیاه رنگ بوده و لباس سیاه رنگ به تن و عمامه ای سیاه رنگ بر سر داشتند...».

بنابراین به چه دلیل پوشیدن لباس سیاه اشکال داشته باشد؟ با اینکه رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ لباس سیاه می پوشیدند؟ امیرالمؤمنین _ علیه السلام _ می پوشیدند؟ امام حسن _ علیه السلام _ می پوشیدند؟ امام حسین _ علیه السلام _ می پوشیدند؟ امام سجاد _ علیه السلام _ می پوشیدند؟ امام صادق _ علیه السلام _ می پوشیدند؟ امام هادی _ علیه السلام _ می پوشیدند؟

و چرا ما در عزای امام حسین _ علیه السلام _ لباس سیاه پوشیم در حالی که اهل بیت پیامبر _ صلی الله علیه و آله و سلم _ که در میان آنان صدیقه صغری زینب کبری و ام کلثوم «سلام الله علیهما» بودند در عزای حضرتش لباس سیاه پوشیدند؟

مجالس سوگواری چرا؟

س. چرا در عزای امام حسین _ علیه السلام _ مجالس ماتم برگزار می کنیم؟

ج. چون امامان معصوم علیهم السلام در عزای امام حسین _ علیه السلام _ مجالس سوگواری برگزار می کردند و به شیعیان خود نیز دستور می دادند که این گونه مجالس دایر کنند.

از طرفی هم خداوند اطاعت فرمان امامان علیهم السلام را بر ما واجب فرموده است.

س. کدام یک از ائمه اطهار علیهم السلام و کجا برای امام حسین _ علیه السلام _ مجالس سوگواری برگزار کرده اند؟

۱. اهل بیت امام حسین _ علیه السلام _ که در میان آنان زینب کبری و ام کلثوم و دیگران بوده اند برای امام حسین _ علیه السلام _ اقامه عزا می کرده اند.

مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» روایت می کند:

«هنگامی که زنان وارد خانه یزید شدند ... به مدت سه روز برای امام حسین _ علیه السلام _ مجلس سوگواری برگزار نمودند».

۲. عزاداری در کربلاء:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «جلاء العیون» از مرحوم سید ابن طاوس روایت می کند:

«هنگامی که زنان و اهل بیت امام حسین _ علیه السلام _ از شام به کربلاء بازگشتند، با جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و عده ای از خاندان رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ برخورد کردند ... و ماتمی جانسوز و دلخراش برگزار نمودند، و زنان آن منطقه اطرافشان گرد آمدند، و چند روزی آنجا اقامت نمودند».

۳. عزاداری امّ البنین و زنان بنی هاشم:

در کتاب «ریاض الأحران» آمده است:

«امّ البنین همسر امیر المؤمنین _ علیه السلام _ برای سوگواری امام حسین مجلسی بپا کرد و زنان بنی هاشم نزد او جمع شده و برای امام حسین _ علیه السلام _ و اهل بیتش گریه می کردند».

۴. سوگواری اهل بیت _ علیهم السلام _ در شام:

مرحوم شیخ صدوق در کتاب امالی می نویسد:

«اهل بیت در خرابه شام سه روز ماندند و در عزای امام حسین _ علیه السلام _ سوگواری و نوحه خوانی می کردند».

۵. اهل بیت _ علیهم السلام _ و سوگواری در مدینه:

مرحوم شیخ برقی در کتاب «محاسن» می نویسد:

«هنگامی که اهل بیت امام حسین _ علیه السلام _ به مدینه بازگشتند زنان خاندان رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ برای سید الشهداء _ علیه السلام _ عزاداری بپا نمودند، و لباسهای سیاه پوشیدند، و شب و روز نوحه سرائی می کردند، و حضرت امام

زین العابدین _ علیه السلام _ برای آنان غذا مهیا می نمودند.

۶. حضرت امام رضا _ علیه السلام _ سوگواری می کنند:

مرحوم سید محسن امین در کتاب «المجالس السنیة» می نویسد:

«دعبل خزاعی در دههٔ محرم بر امام رضا _ علیه السلام _ وارد شد، در حالی که یاران حضرت اطرافش بودند، حضرت بپاخاسته پرده ای انداختند و زن و بچه را پشت پرده نشانیده و فرمودند: ای دعبل! برای امام حسین _ علیه السلام _ مرثیه بخوان، دعبل گوید: صدا به گریه بلند کردم و اشک از چشمانم جاری شده این اشعار را خواندم:

أفاطم! لو خلت الحسین مجذلاً و قد مات عطشاناً بشطّ فرات

إذن للظمت الخدّ فاطم عنده و أجريت دمع العين فی الوجنات

۷. همسر امام حسین _ علیه السلام _ سوگواری می کند:

مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق _ علیه السلام _ روایت می کند که فرمود:

«هنگامی که امام حسین _ علیه السلام _ شهید شد، همسر آن حضرت که از قبیلهٔ بنی کلاب بود برای حضرتش مجلس ماتمی برگزار کرد، و آنقدر همراه زنان دیگر گریه کردند که اشک چشمانشان خشکید».

۸. امام محمد باقر _ علیه السلام _ تشویق به سوگواری می کنند:

از امام باقر _ علیه السلام _ روایت شده است که فرمودند:

«خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری گرد هم آیند و سخن از ولایت ما به میان آورند، که سوّمین شخص آنان فرشته ای خواهد بود که برای آنان استغفار می کند، و هیچ گاه دو نفر به قصد یاد ما جمع نمی شوند مگر آنکه خداوند به وسیلهٔ آنان بر فرشتگانش مباحث خواهد فرمود، هر گاه جمع شوید و به یاد ما باشید اجتماع و یادآوری شما موجب زنده شدن ما است. و بهترین مردم پس از ما کسی است که سخن از ولایت ما گوید، و مردم را به یاد ما دعوت نماید».

۹. امام صادق _ علیه السلام _ تشویق به سوگواری می کند:

فضیل بن یسار از امام جعفر صادق _ علیه السلام _ روایت می کند که حضرت به او فرمودند:

«آیا جلسه ترتیب می دهید و به حدیث گفتن می پردازید؟»

فضیل می گوید: آری.

آنگاه حضرت می فرماید: آگاه باش که من این مجالس را دوست دارم، ولایت ما را زنده کنید، زیرا که هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ولایت زنده شود، در آن روزی که دلها خواهند مرد دلش نمی میرد».

۱۰. سوگواری در تمام خانه ها:

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات» روایت می کند که امام باقر _ علیه السلام _ فرمودند:

«... در روز عاشورا انسان باید برای امام حسین _ علیه السلام _ گریه و زاری کند و به اهل منزل خود دستور دهد که برای حضرتش گریه کنند، و در خانه خود با اظهار ناراحتی برای آن حضرت سوگواری بپا سازد، و در خانه های یکدیگر به منظور گریه کردن برای امام حسین _ علیه السلام _ به ملاقات همدیگر بروند و در مصیبت امام حسین _ علیه السلام _ به یکدیگر تسلیت گویند، که اگر این کارها را بکنند من برای آنان ضمانت می کنم که خداوند ثواب دو هزار حج و عمره و شرکت نمودن در جنگی در رکاب رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و ائمهٔ طاهرین _ علیهم السلام _ به او عطا فرماید».

۱۱. تشویق زنان به اقامهٔ سوگواری:

امام صادق _ علیه السلام _ مردم را تشویق می فرمایند که زنان هم در برگزاری ماتم برای امام حسین _ علیه السلام _ شرکت کنند

و به گریه و زاری برای حضرتش پردازند.

در حدیث از حماد کوفی است که حضرت صادق _ علیه السلام _ به او فرمودند:

«به من رسیده است که نیمه شعبان از اطراف کوفه و جاهای دیگر کسانی کنار قبر امام حسین _ علیه السلام _ می آیند، و زانی برای حضرتش گریه می کنند، بعضی قرآن می خوانند، بعضی تاریخ می گویند، بعضی زاری می کنند و بعضی مرثیه می خوانند؟ به حضرت گفتم: بله چنین است، و من خودم اینها را که می فرمائید دیده ام، حضرت فرمود: شکر خدای را که در میان شیعیان کسانی را قرار داده است که به سراغ ما می آیند و به مدّاحی و مرثیه خوانی ما می پردازند».

خودزنی و به سینه زدن برای امام حسین _ علیه السلام _

_ چرا شیعیان برای امام حسین _ علیه السلام _ به سینه می زنند؟

_ شیعیان این عمل را از اهل بیت امامان خود آموخته اند.

_ اهل بیت کدام یک از ائمه _ علیهم السلام _ برای امام حسین _ علیه السلام _ بر سینه زده اند؟

به این موارد توجه فرمائید:

۱. زنان فاطمیات به صورت خود زده اند:

مرحوم صاحب جواهر از خالد بن سدید روایت می کند که حضرت صادق _ علیه السلام _ ضمن حدیثی فرمودند:

«زنان فاطمیات در مصیبت حضرت امام حسین _ علیه السلام _ یقه های خود را چاک زدند، و به صورت خود سیلی می زدند.

۲. امام صادق _ علیه السلام _ بر این عمل تأکید و ترغیب می فرمایند:

مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت صادق _ علیه السلام _ نقل می کند که ضمن حدیثی فرمودند:

«برای شخصیتی چون حسین _ علیه السلام _ باید سیلی به صورت زد و یقه پیراهن چاک زد».

۳. اهل بیت در کربلا به صورت خود می زدند:

ضمن حدیثی که مرحوم مجلسی در بحار الأنوار در این باره نقل کرده، آمده است:

«هنگامی که امام حسین _ علیه السلام _ وارد کربلاء شدند، و عاقبت کار خود و اهل بیتشان را برای آنان بیان فرمودند زنان به

صورت خود سیلی زدند، و یقه پیراهن خود پاره کردند.

۴. سیلی به صورت زدن در شب عاشوراء.

مرحوم علامه دربندی در کتاب «اسرار الشهاده» می گوید:

امام حسین _ علیه السلام _ در شب عاشوراء در حالی که شمشیر خود را اصلاح می کردند این شعر را با خود زمزمه می کردند:

یا دهر افّ لک من خلیل کم لک بالإشراق والأصیل

اینجا زینب کبری «علیها السلام» دست برد و یقه خود را چاک زد و سیلی به صورت خود زد، و زنان حرم نیز با او به گریه افتادند و

به صورت خود سیلی می زدند».

۵. اهل بیت _ علیهم السلام _ در روز عاشوراء ...

و در همان کتاب روایتی آمده است:

«هنگامی که امام حسین _ علیه السلام _ در روز عاشوراء آخرین خطبه خود را در برابر دشمن می خواندند، فرزندان آن حضرت و

خواهرش حضرت زینب «علیها السلام» سخن او را شنیدند و به گریه افتاده، سیلی به صورت خود زدند».

۶. اهل بیت در روز یازدهم محرم ...

مرحوم شیخ مفید در بیان وقایع روز یازدهم می‌نویسد:

«و زنان حضرتش را بر شتران بی‌جهاز سوار کردند و همین که زنان به کشتگان نظر افکندند فریاد برآورده به صورت خود زدند».

۷. تقریر حضرت رضا _ علیه السلام _ نسبت به اشعار دعبل.

هنگامی که دعبل خزاعی در حالی که حضرت رضا _ علیه السلام _ در جمع یاران نشسته بودند و اهل بیت حضرت در پشت پرده بودند اشعاری را در مصیبت حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ خواند که از جمله این اشعار بود:

أفاطم! لو خلت الحسین مجدلاً و قد مات عطشانا بشطّ فرات

إذن للظمت الخدّ فاطم عنده و أجريت دمع العين في الوجنات

یعنی: «ای فاطمه! اگر حسینت را با آن وضع می‌دید، که لب تشنه کنار شط فرات جان سپرد اگر می‌دید در کنارش به صورت خود می‌زدی و قطرات اشک بر گونه ات جاری می‌ساختی».

حضرت رضا _ علیه السلام _ دعبل را مورد تشویق خود قرار داده و از خداوند متعال خواستند که به او پاداش نیک عطا فرماید، و هرگز به او نفرمودند: تو از کجا دانستی که فاطمه «سلام الله علیها» برای حسین _ علیه السلام _ سیلی به صورت خود می‌زد؟!

۸. امام زمان _ علیه السلام _ چنین توصیف می‌فرمایند:

در زیارت ناحیه این فقرات وارد شده است:

«همین که بانوان حرم اسبت را با زین واژگون و حالتی حزن آور دیدند، مو پریشان نموده، از خیمه‌ها بیرون شدند در حالی که به صورت خود سیلی می‌زدند».

۹. حوریان بهشت در عزای حسین _ علیه السلام _

و نیز در زیارت ناحیه وارد شده است:

«و حور العین در بهشت، برای مصیبت تو به صورت خود می‌زدند».

زنجیر زنی

س: آیا زنجیر زنی شیعیان در عزاداری حضرت امام حسین _ علیه السلام _ و وفات پیامبر اکرم _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و ائمه طاهرین _ علیهم السلام _ جایز است؟

ج. اولاً: این عمل بعنوان اولی طبق تعبیر فقهاء مباح و جائز است، و دلیل آن یک قاعده فقهی اسلامی مورد قبول تمامی فقهاء اسلامی: «الناس مسلطون علی أنفسهم» یعنی: «مردم بر جان و نفس خود تسلط دارند» از این قاعده استفاده می‌شود که هر انسانی صلاحیت کامل شرعی و آزادی مطلق دینی دارد که در بدن خود هر نوع تصرّفی به هر کیفیت و مقصودی که بخواهد انجام دهد

...

فقهاء و مراجع تقلید تنها دو مورد را از این قاعده استثناء نموده اند:

۱. خودکشی، که احدی حق ندارد اقدام به خودکشی نماید، زیرا در قرآن مجید سوره نساء آیه ۲۹ از آن نهی شده است و خداوند می‌فرماید: (و لا تقتلوا أنفسکم) یعنی: «حق ندارید خود را بکشید» و آیات و روایات دیگر.

۲. فلج کردن عضوی از اعضای بدن، و یا از بین بردن و قطع کردن یکی از نیروها یا اعضاء بدن، بنابراین کسی حق ندارد انگشت دست خود را قطع کند، یا مثلاً نیروی جنسی خود را بکلی از بین ببرد، یا کاری کند که بینائی خود را از دست دهد، یا شنوائی خود را از دست دهد یا از این قبیل کارها، و دلیل آن هم عبارت است از اجماع فقهاء بر حرمت این گونه اقدامات.

بنابراین زنجیرزنی که یک عمل متعارف در عزاداریهای امام حسین _ علیه السلام _ و سایر معصومین _ علیهم السلام _ است یک

اقدام مباح است که اسلام به هر کس اجازه داده این گونه تصرفات را در بدن خود انجام دهد، بنابراین از نظر شرعی جایز و بی مانع است.

ثانیاً: آنکه زنجیر زنی در عزاداری امام حسین _ علیه السلام _ داخل در عموماً شرعی است که اسلام نسبت به آن تشویق نموده است مانند عموماًتی که در آن مردم را به عزاداری برای امام حسین _ علیه السلام _ وادار نموده است.

پس بنابراین زنجیر زنی از نظر شرعی مستحب است، و داخل در عموم آیه تعظیم شعائر الهی می‌باشد، که قرآن مجید درباره آن می‌فرماید:

«و من یعظم شعائر الله فإنها من تقوی القلوب».

یعنی: «هر کس نشانه‌های خدا را بزرگ دارد آن نشانه روح تقوی است».

شبه خوانی و نمایش

س. شبه خوانی و نمایشهایی که شیعیان همه ساله از واقعه عاشوراء ترتیب می‌دهند چگونه است و چه فوایدی در بر دارد؟

ج. شبه خوانیها و نمایشات شیعیان به چند دلیل مشروع و جایز است:

۱. شبه خوانی و نمایش حکم اولیه آن، شرعاً جایز و مباح است.

۲. شبه خوانی و نمایش که صحنه‌های عاشوراء را به تصویر می‌کشد یکی از بهترین روشهای گریاندن است و مشمول روایات «ابکاء» می‌باشد.

همانند روایتی که شیخ صدوق «قدس سره» از امام رضا _ علیه السلام _ نقل کرده است که فرمودند:

«من ذکر مصابنا فبکی و أبکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون».

یعنی: «هر کس مصیبت‌های ما را یاد نموده و گریه کند و دیگران را بگریاند، آن روز که چشمها همه گریان است، چشم او گریان نخواهد بود».

پس کسانی که این گونه نمایشها را ترتیب می‌دهند و بدین وسیله مردم را می‌گریانند، کمترین پاداش آنها این است که روز قیامت گریان نخواهند بود، همان گونه که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است:

«إِنَّ كَلَّ عَيْنٍ بَأَكِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ... وَ عَيْنَا بَكَتْ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ _ عَلَيْهِ السَّلَامِ».

یعنی: (روز قیامت تمام چشمها گریان خواهند بود مگر ... و چشمی که بر امام حسین _ علیه السلام _ بگرید).

و مانند روایتی که مرحوم شیخ صدوق آنرا در امالی خود نقل کرده است که حضرت امام جعفر صادق _ علیه السلام _ به ابوعمار فرمودند:

«يا ابا عماره من أنشد في الحسين شعراً فأبكي خمسين له الجنة».

و من أنشد في الحسين شعراً فأبكي أربعين فله الجنة».

و من أنشد في الحسين شعراً فأبكي ثلاثين فله الجنة».

و من أنشد في الحسين شعراً فأبكي عشرين فله الجنة».

و من أنشد في الحسين شعراً فأبكي عشرة فله الجنة».

و من أنشد في الحسين شعراً فأبكي واحداً فله الجنة» ...».

یعنی: (ای ابا عماره! هر کس شعری در عزای حسین _ علیه السلام _ بسراید و پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و هر کس در عزای حسین _ علیه السلام _ شعری سروده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و هر کس در عزای حسین _ علیه السلام _ شعری بسراید و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.
و هر کس در عزای حسین _ علیه السلام _ شعری بگوید و بیست نفر را به گریه آورد، بهشت پاداش او است.
و هر کسی در سوگ حسین _ علیه السلام _ شعری سروده و تنها یک نفر را بگریاند بهشت از آن او است...
با توجه به این که شعر بنفسه مکروه است مگر آنکه یک عنوان ثانوی بر آن عارض شود و کراهت آن را رفع کند، در حدیث آمده است:

«لئن یمتلی قلب الرجل قیحا خیر من أن یمتلی شعرا».

یعنی: (اگر قلب کسی لبریز از چرک و کثافت شود بهتر است از آنکه پر از شعر شود).

و کلام الله مجید که راست ترین و بهترین سخن است در مذمت شعر و شعراء فرموده است: «و الشعراء یتبعهم الغاؤون».

یعنی: شاعران را، تنها گمراهان پیروی می کنند.

وقتی که همین شعر مذموم و مکروه از آن پستی و پلیدی آن قدر بالا می آید و بجائی می رسد که به خاطر گریاندن مردم در فاجعه شهادت امام حسین _ علیه السلام _ موجب بهشت رفتن سراینده آن می گردد آیا شبیه خوانی و نمایش که به عنوان اولی مباح است، در صورتی که موجب گریاندن مردم در عزای امام حسین _ علیه السلام _ شود، سبب بهشت نمی گردد؟! علاوه بر اینکه شعر بسیاری از اوقات موجب گریه نمی شود بخلاف شبیه خوانی که اکثرا موجب گریه بینندگان بر حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ می شود، و تأثیر فوق العاده ای بر روحیه مردم می گذارد.

ما بسیار مشاهده کردیم که افراد سنگدل به هنگام تماشای شبیه خوانی، یک ربع ساعت تمام گریه کرده اند، در حالی که این گونه افراد طبق اظهارات خودشان در طول سال با اینکه عالی ترین اشعار و قصائد را پیرامون واقعه عاشوراء شنیده اند اما هرگز چشمشان تر نشده است.

و این مطلب از نظر کسانی که شبیه خوانیهای عالی را دیده اند قابل تردید نیست، و در مورد کسانی که ندیده اند نیز واضح و روشن است.

بنابراین شبیه خوانی می تواند برنامه جالبی باشد در برانگیختن احساسات مسلمین نسبت به امام حسین _ علیه السلام _ و گریاندن آنان، و گریاندن برای امام حسین _ علیه السلام _ آیا بهائی جز بهشت دارد؟!

۳. این گونه شبیه خوانیها داخل است در عمومات احواء مردم اهل بیت _ علیهم السلام _ که جزء وظائف ما است، و امام جعفر صادق _ علیه السلام _ برای کسانی که در این مسیر قدم بردارند دعا کرده و می فرماید: «رحم الله من أحمأ أمرنا».
یعنی: (خداوند رحمت کند کسی که مرام ما را زنده سازد).

و امام رضا _ علیه السلام _ همان گونه که در روایت صدوق «قدس سره» آمده است در این باره می فرماید:

«من جلس مجلسا یحیی فیه أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب».

یعنی: (هر کس در مجلسی شرکت نماید که در آن مرام ما زنده می شود، در آن روز که دلها خواهد مرد دلش نمی میرد).

و زنده نمودن راه و روش و مرام اهل بیت _ علیهم السلام _ مانند هر حکم مطلق شامل کلیه موارد و مصادیق مباح خواهد شد بدون تقیید به مورد خاص یا فرد معین.

بنابراین، شبیه خوانی در دلهای مردم عظمت و قداست اهل بیت _ علیهم السلام _ را بر می انگیزد، و مظلومیت و فداکاری آنان در راه خدا، و گذشتن از دنیا و ... را ثابت می کند، و این یکی از مصادیق آشکار احواء امر اهل بیت _ علیهم السلام _ می باشد.

در صورتی که صرف برگزاری مجلسی که دو نفر یا بیشتر در آن شرکت کنند و مصائب اهل بیت _ علیهم السلام _ را یادآوری نمایند کاری است مذهبی که امام _ علیه السلام _ در مورد آن سوگند یاد نموده و می فرماید:

«و الله إنِّي لا حَبَّ تلك المجالس».

یعنی: (به خدا سوگند که من این گونه مجالس را دوست دارم).

با اینکه می‌دانیم که یک مجلس کوچک متشکل از دو یا سه نفر نسبت به یک مجلس شبیه خوانی جالب، از نظر احیاء مرام اهل بیت _ علیهم السلام _ قابل قیاس نیست، بنابراین شبیه خوانی که بسیار بیشتر از این گونه جلسات به مرام و هدف اهل بیت _ علیهم السلام _ پیشرفت خواهد داد، بیشتر مورد توجه و علاقه اهل بیت _ علیهم السلام _ می‌باشد.

و در مورد تصویر گفته اند:

«گاهی یک تصویر جالب بیش از هزار کتاب در دلها اثر می‌گذارد».

و این گفتار هر چند تا حدی مبالغه است ولی اصل آن غیر قابل انکار می‌باشد.

۴. روایات و عموماًتی وارد شده که دستور تجدید عزای امام حسین _ علیه السلام _ در هر سال را داده است، و این روایات و عموماًت شامل شبیه خوانی نیز می‌باشد.

زیرا پس از آن که حقیقت شرعی ای برای کلمه «عزاء» ثابت نشده باشد، و مردم عرفاً از کلمه «عزاء» هر نوع عمل مباحی از اظهار حزن و اندوه را می‌فهمند، دیگر بدون اشکال و مناقشه می‌توان گفت که: «عزاء» شامل شبیه خوانی هم خواهد بود.

و بدون شک همین شبیه خوانی‌هایی که در ایام عاشوراء مرسوم است یکی از مظاهر عرفی «عزاء» می‌باشد.

۵. در یک حدیث شریف به نحو خاصی حکایت از برگزاری نوعی مجلس شبیه خوانی در محضر امام صادق _ علیه السلام _ می‌کند، که به نظر من همین حدیث مبدأ عمل کار شیعیان در شبیه خوانی به هنگام مراسم عزاداری است.

شیخ مهدی مازندرانی «قدس سره» در کتاب «معالی السبطين، ج ۱، ص ۹۶» روایت می‌کند که ثقة الاسلام کلینی در کتاب «روضه کافی» آورده است که:

«کمیت شاعر بر حضرت صادق _ علیه السلام _ وارد شد حضرت به کمیت فرمود: کمیت درباره جدم حسین برایم شعر بخوان، پس از آنکه کمیت اشعاری در مصیبت امام حسین _ علیه السلام _ خواند، امام صادق _ علیه السلام _ گریه شدیدی نمودند، زنان و اهل حرم حضرت هم به گریه افتادند و در اطاقهای خود صدا به گریه بلند نمودند، هنگامی که امام _ علیه السلام _ گریه می‌کردند ناگهان زنی از پشت پرده ظاهر شد در حالی که کودکی شیرخوار و کوچک در دست داشت، طفل شیرخوار را آورد و در دامن امام گذاشت، و امام با دیدن طفل گریه اش بیشتر شده صدایش به گریه بلند شد و زنان پشت پرده هم صدا به گریه بلند کردند».

و این روشن است که منظور زنان حرم امام _ علیه السلام _ از آوردن طفلی شیرخوار از نسل رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ به خدمت امام شبیه در آوردن علی اصغر شیرخوار بوده است، تا بدین وسیله در دل گریه کنندگان تأثیر بیشتری گذاشته و گریه و زاری آنان شدت بیشتری یابد، و گویا که مصیبت علی اصغر _ علیه السلام _ از دیگر مصیبتها در دل اهل بیت _ علیهم السلام _ بیشتر تأثیر گذاشته است.

اینک توجه شما را به گفته یکی از فقاهای بزرگ مرحوم آیت الله شیخ عبدالله مامقانی «قدس سره» در رساله مخصوص شعائر حسینی اش جلب می‌نمائیم:

«از واضح ترین مسائل در نظر کسانی که احاطه به اخبار و کلمات فقهاء دارند این است که هیچ آیه و روایتی و لو ضعیف و یا مرسل _ دال بر حرمت شبیه سازی شخصی به شخص دیگر و نمایش دادن جریانات مخصوص به خاطر هدفهائی عقلائی وارد نشده است.

هر کس ادعا دارد که آیه یا روایت یا حتی عبارتی فقهی در این مورد آمده است بیان کند، که نمی‌تواند بیان کند.

با اینکه اولین کسی که حوادث کربلا- و نظایر آن را به نمایش در آورده است و شبیه خوانی را رواج داده مرحوم علامه مجلسی است، که از همه علماء آگاهی بر اخبار و کلمات فقهاء بیشتر بوده است، و تمام علمای شهرستانها که پس از او آمدند عمل او را امضاء کرده اند و بر او انکار ننموده اند».

قمه زنی برای امام حسین _ علیه السلام _

قمه زنی در نظر شیعه اصطلاحی است برای ضربه زدن با قمه یا شمشیر یا تیغ به جلو سر بطوری که پوست سر شکافته شده و خون جاری شود، و شیعیان این عمل را به منظور احساسات و فداکاری در ماتم امام حسین _ علیه السلام _ انجام می دهند، و در حقیقت با این عمل آمادگی خود را برای دادن خون در راه حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ و پیروی از مکتب خونبارش اعلام می نمایند.

قرنها رسم شیعه این بوده که در روز عاشوراء دور هم جمع شده و برای امام حسین _ علیه السلام _ گریه کنند، و حوادثی را که در آن روز بر حضرتش گذشته یاد نموده، و بر حضرتش به عزاداری پردازند و زمانی که شور و عشق حسینی در دلهاشان شعله ور شد و بر مصیبتها و دردهای غم انگیز حضرت بطپد پس از آنکه تبدیل یکپارچه احساس و شور حسینی شدند با قمه و شمشیرهایی که به عنوان یاری حسین _ علیه السلام _ در دست دارند بر سر خود زده و خون جاری می کنند.

جواز قمه زنی

قمه زنی به خودی خود عملی است جایز و مباح، زیرا: «خود را به هلاکت افکندن نیست» و موجب اتلاف عضوی از اعضاء بدن نمی شود، و نه جایی از بدن یا یکی از قوای بدن ناقص می شود. بنابراین به مقتضای «الناس مسلطون علی أنفسهم» یعنی: «هر کس اختیار بدن خود را دارد» که یک قاعده فقهی است، مانعی از این جهت وجود ندارد.

رجحان قمه زنی

دلیل بر رجحان و استحباب قمه زنی آن است که این عمل یکی از مهم ترین روشهای تعظیم شعائر امام حسین _ علیه السلام _ و بزرگداشت خاطرۀ عاشورای حضرتش می باشد، زیرا این عمل عظمت حضرتش را در نظر مردم بالا می برد، و لذا اطلاق آیه شریفه: «و من یعظم شعائر الله فإنها من تقوی القلوب» بر آن صحیح خواهد بود.

قمه زنی نوعی اِبکاء است

دیگر آنکه: قمه زنی را می توان یکی از مهم ترین روشهای گریه انداختن دانست و این هم یک دلیل بر رجحان آن خواهد بود، زیرا معصومین _ علیهم السلام _ طبق احادیث فراوان برای کسانی که مردم را در عزای حضرت امام حسین _ علیه السلام _ بگریانند بهشت را تضمین فرموده اند، و ما قبلا به پاره ای از این احادیث اشاره کردیم که از آن جمله است حدیث شریف: «من بکی أو أبکی أو تبأکی فله الجنة».

یعنی: (هر کس _ برای حسین _ علیه السلام _ گریه کند یا دیگران را بگریاند، یا خود را به حالت گریه کننده در آورد برای او بهشت خواهد بود).

ما بارها شاهد بوده ایم که هزاران نفر در روز عاشوراء هنگامی که هیئتهای قمه زنی را مشاهده نموده اند اشک فراوان ریخته اند، و

با مشاهده این چهره های خونین مصیبت‌های حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ و دیگر شهدای کربلاء در خاطره شان زنده شده است.

قمه زنی نوعی همرنگی و همراهی است

دلیل دیگر بر رجحان قمه زنی آنکه: این عمل یک نوع همراهی و همرنگی با حضرت امام حسین _ علیه السلام _ است که در روز عاشوراء شیعیان بیرون می‌آیند در حالتی که خون از سرشان جاری است، همان گونه که در آن روز امام حسین _ علیه السلام _ بیرون آمدند در حالی که خون از سر مبارک آن حضرت جاری بود.

یک شبهه ورد آن

ممکن است کسی بگوید: امام حسین _ علیه السلام _ به دست خود خون از سر خود جاری نکردند، چگونه می‌توان گفت: قمه زنی که شیعیان به دست خودشان خون از سر خویش جاری می‌کنند، پیروی نمودن از حضرت امام حسین _ علیه السلام _ است؟
جواب: آری، قمه زنی هم یک نوع همرنگی و پیروی از امام حسین _ علیه السلام _ است مگر در زیارت حضرت ابی الفضل العباس _ علیه السلام _ نخوانده اید: «و الأخ المواسی لأخیه»؟

یعنی: (درود بر برادری که از برادر خود پیروی نمود) با اینکه می‌دانیم منظور از پیروی حضرت عباس _ علیه السلام _ در این قسمت از زیارتنامه همان موردی است که حضرت با اختیار خود با اینکه در شط فرات تا رکاب اسبش در آب فرو رفته بود، یک مشت از آن برداشت جلو دهان خود آورد و چون به یاد تشنگی برادرش امام حسین _ علیه السلام _ افتاد، آب را به روی آب ریخت و تشنه از شط فرات بیرون آمد، با اینکه تشنگی امام حسین _ علیه السلام _ در ظاهر به اختیار خودش نبود، بلکه اقدامی بود از طرف دشمنان که آب را به روی خیمه های امام حسین _ علیه السلام _ بسته بودند.

اضافه بر این اگر این عطش اختیاری برای حضرت عباس _ علیه السلام _ به عنوان همرنگ شدن و همراه گشتن با عطش اجباری حسین _ علیه السلام _ کاری مورد پسند و نوعی پیروی از حسین _ علیه السلام _ نبود امیر المؤمنین علی _ علیه السلام _ بیست سال پیش از واقعه عاشوراء به فرزندش عباس _ علیه السلام _ سفارش نمی‌فرمود که در چنین موقعیتی این پیروی و همرنگی با برادر بزرگتر و امام زمانت حسین _ علیه السلام _ داشته باش.

اینک به حدیث ذیل توجه فرمائید:

عالم بزرگ و واعظ شهیر مرحوم شیخ هادی خراسانی نجفی «قدس سره» در کتاب «عدّه الشهور» نقل می‌کند که:
«امیر المؤمنین _ علیه السلام _ به هنگام وفات خود فرزندش عباس را فرا خوانده، چشمانش را بوسیدند، و به او وصیت کرده و از او پیمان گرفتند که هر گاه در روز عاشوراء آب را به تصرف در آورد در حالی که برادرش تشنه است یک قطره آب هم ننوشد».

چندین حدیث مؤید

چندین حدیث مؤید

روایات متعدّد و احادیث شریفه دیگری بر رجحان و قمه زنی برای امام حسین _ علیه السلام _ و ریختن خون از بدن بمنظور عزاداری حضرتش دلالت دارد، که به پاره ای از آنها اشاره می‌کنیم:

قمه زنی زینب کبری _ سلام الله علیها _

۱. زینب کبری _ سلام الله علیها _ که دارای مقام عصمت صغری است در محضر امام زین العابدین _ علیه السلام _ پیشانی خود را به چوبه کجاوه می‌کوبد بطوری که خون از سرش جاری می‌شود، و سکوت امام _ علیه السلام _ تقریر و تجویز عمل او، و دلیل بر جواز قمه زنی است.

در خبر صحیح وارد شده است هنگامی که زینب کبری _ سلام الله علیها _ در کوفه سر برادرش امام حسین _ علیه السلام _ را بر سر نیزه دید چنان پیشانی خود را به چوبه جلو کجاوه کوبید که خون از سر آن حضرت سرازیر شد.

خراشیدن صورت جایز است

۲. درباره مصیبت امام حسین _ علیه السلام _ نص شرعی وارد شده است که شیعیان می‌توانند صورت خود را خراش دهند، و طبیعی است که خراشاندن صورت موجب خون آمدن صورت هم هست هر گاه این عمل جایز بود بلکه خون آوردن صورت برای مصیبت امام حسین _ علیه السلام _ مستحب بود، قهرا خون انداختن سر نیز بجهت عدم فرق و وحدت مناظ مستحب خواهد بود. در حدیث موثقی از حضرت صادق _ علیه السلام _ روایت شده است که فرمودند:

«علی مثل الحسین فلتشقّ الجيوب، و لتخمش الوجوه، و لتلطم الخدود»....

یعنی: (برای مثل حسین _ علیه السلام _ بایستی یقه‌ها پاره شود، و صورتها خراشیدن شود، و بر گونه‌ها سیلی زد).

امام سجاد _ علیه السلام _ از چشمان خود خون می‌گیرد

۳. بطور مکرر درباره امام زین العابدین _ علیه السلام _ روایت شده است که حضرت در مصیبت پدر بزرگوارش حضرت امام حسین _ علیه السلام _ آنقدر گریسته است که از چشمان مبارک حضرتش خون جاری شده است، و امام زین العابدین _ علیه السلام _ امام و حجت خدا است، و عمل معصوم نیز حجت و یک سنت شرعی قابل پیروی است.

مرحوم علامه مجلسی «قدس سره» در بحار الانوار روایت نموده است که:

«انّ الأمام زین العابدین إذا أخذ اناء لیشرب بیکى حتّى یملاهُ دماً».

یعنی: (هر گاه امام زین العابدین _ علیه السلام _ ظرف آبی می‌گرفت که بنوشد آن قدر می‌گریست که آن ظرف را پر از خون می‌ساخت).

و فعل مضارع _ یملاهُ دماً _ همان گونه که علماء گفته اند دلالت بر تجدد و تکرار دارد.

بنابراین هنگامی که گریستن بر امام حسین _ علیه السلام _ در حد بخون افتادن چشم، پسندیده باشد، به طریق اولی به خون انداختن دیگر اعضاء بدن جایز است، زیرا احتمال ضرری که در اثر به خون انداختن چشم وجود دارد به مراتب بیشتر و مهمتر است از به خون انداختن سایر اعضاء بدن مانند سر و صورت و پشت و سینه و غیره.

خون گریستن، آن گونه که پزشکان می‌گویند: این گونه است که گریه کننده در گریه بسیار به خود فشار می‌آورد و بقدری اشک او جاری می‌شود که دیگر خون فرصت تبخیر و تبدیل به اشک را نیافته و با همان حالت از چشم جاری می‌گردد، زیرا اشک: بخار خون است که به وسیله دستگانه‌های پشت چشم تبدیل به اشک می‌گردد، وقتی که رطوبت چشم کم شد و انسان بسیار گریه کرد، یا آنکه گریه انسان سرعتش قابلیت تبخیر و رطوبتهای خون پیشی گیرد، در این حالت است که خون به طور مستقیم از طریق رگهای چشم جاری می‌گردد.

امام زمان _ علیه السلام _ هم خون گریه می‌کند

۴. همان گونه که در زیارت ناحیه وارد شده است امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» به جای اشک برای جدش امام حسین _ علیه السلام _ خون می‌گیرد و می‌فرماید:
 «و لأبکین علیک بدل الدموع دما».
 یعنی: (و به جای اشک برایت خون می‌گیریم).
 در جایی که امام معصوم خون بگرید، عمل آن حضرت برای ما حجت است، و ما می‌توانیم بدن خود را در مصیبت امام حسین _ علیه السلام _ به خون اندازیم.

تقریر امام در جاری کردن خون از بدن در مصیبت امام حسین _ علیه السلام _

۵. دلیل دیگر: تقریر امام زین العابدین _ علیه السلام _ در مورد جاری ساختن خون از جانب زنان هاشمیه و زنان مسلمان در مصیبت‌های امام حسین _ علیه السلام _ می‌باشد که در محضر حضرتش انجام می‌دادند، و حضرت هم مانع کار آنان نمی‌شدند.
 سید بزرگوار ابن طاووس «قدس سره» در کتاب «لهوف» می‌گوید:
 «هنگامی که بشیر بن حدلم به مردم مدینه خبر شهادت امام حسین _ علیه السلام _ و بازگشت امام زین العابدین _ علیه السلام _ را داد هیچ زنی در سرا پرده‌ها و منازل باقی نماند، مگر آنکه صورتهای خود را خراشیده، و به صورت خود سیلی زده و با فریاد و فغان و گریه و زاری به راه افتادند».
 و قبلا اشاره شد که: خراشیدن صورت معمولا مستلزم خون آمدن صورت می‌شود، و این اعمال تماما زیر نظر و در محضر امام زین العابدین _ علیه السلام _ انجام می‌گرفت، و امام هم این اعمال را نهی نفرموده و زنان را از ارتکاب آن بازداشتند، بلکه خود حضرت زنان را در انجام این اعمال یاری می‌نمودند، و دستور می‌دادند که برای آنان غذا و آب بیاورند و آنان را نسبت به این عزاداری تشویق می‌فرمودند _ که قبلا اشاره شد _.

معجزه قمه زنی

کسانی که در شهرهای مذهبی مانند نجف اشرف، و کربلای معلی، کاظمین، مشهد و دیگر شهرهایی که روز عاشوراء دسته‌های قمه زنی در آن به راه می‌افتند زندگی می‌کنند، بدون شک این هیئت‌ها را مشاهده نموده‌اند، و دیده‌اند که چگونه آنها سرهای خود را تراشیده و شمشیرها و قمه‌ها را به سرعت بر فرق خود می‌زنند، و خون از فرقشان جاری می‌گردد، آنگاه در دسته‌های چند هزار نفری با این وضع در حالی که فریاد غمگین و شور انگیز شهید حسین، عطشان حسین، غریب حسین، مظلوم حسین، قتیل حسین، حیدر، حیدر، را سر می‌دهند، و به راه می‌افتند و دل‌های مردم را بلرزه در آورده از چشمها سیلاب اشک جاری می‌سازند.
 و از این هزاران قمه زن غرقه به خون نه هیچ کدام ناراحتی می‌بینند و نه هیچ کدام می‌میرند، در حالی که کسانی فکر می‌کنند که این گونه برنامه‌ها باید عده‌ای تلفات داشته باشد.
 و برآستی که این نوع معجزه است که مخصوص سبط شهید حضرت حسین بن علی _ علیه السلام _ است که خداوند به او مقام شهادت در راه احیاء اسلام و ابقاء دین جدش رسول خدا _ صلی الله علیه و آله و سلم _ را عطا فرموده است.

سخن کاشف الغطاء

مرحوم علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء «قدس سره» در کتاب «الآیات البینات» ضمن سخنی طولانی پیرامون قمه زنی

می گوید:

«ما در حدود شصت سال عمر کرده ایم، و با اینکه همه ساله می بینیم این دسته های خونبار حسینی به راه می افتند، اما تاکنون ندیده ایم کسی در اثر قمه زنی مرده باشد، یا آن که زبانی متوجه او شده باشد، و حتی از گذشتگان خود نیز چنین سخنی نشنیده ایم».

سخن یک پزشک عراقی

روزی یک پزشک عراقی به من گفت: من از دسته های قمه زنی چیزهایی می شنیدم ولی خودم این دسته ها را ندیده بودم، یکبار در روز عاشوراء تصمیم گرفتم تا به زیارت امام حسین _ علیه السلام _ رفته و قمه زنی را هم از نزدیک مشاهده کنم، یک روز عاشوراء وارد کربلاء شدم و شخصی را در صحن حضرت عباس _ علیه السلام _ دیدم که سر خود را تراشید و سپس شمشیر برنده ای را که در دست داشت نه یک بار و نه دو بار و نه سه بار بلکه چهار مرتبه به فرق خود فرود آورد خون از رگهایش سرش جریان یافت، به طوری که من با خود فکر کردم که این شخص تا چند لحظه دیگر خواهد افتاد، و بر حسب آنچه ما فرا گرفته بودیم و تجربیاتی که در دانشکده طب داشتم، می گفتم: پیش از آنکه به بیمارستان برسد خواهد مرد، و لذا همه چیز را فراموش کردم و چشم از همه پوشیدم و تمام حواس و فکرم متوجه این شخص بود و همراه او به راه افتادم و از او مراقبت می کردم تا بینم تا کارش به کجا خواهد انجامید! و هر لحظه انتظار داشتم بیفتد که ناگهان مشاهده نمودم که این شخص با دست راست خود محکم بر محل زخمهای سرش می کوبد در حالی که می گفت:

... «شهید ... حسین ... عطشان ... حسین ... مظلوم ... حسین ... غریب ... حسین حسین حسین حسین»....

و چندین ساعت اطراف حرم حضرت ابوالفضل العباس _ علیه السلام _ و حرم حسین _ علیه السلام _ گردش کرد، و سپس به حمام عمومی که قبلاً برای شستشوی قمه زنها آماده شده بود وارد شد، من نیز پشت سرش وارد شدم تا مراقب حالش باشم، رفت خودش را شست و خونهای سرش را شستشو داده، بیرون آمد و یک ظرف چای نوشید.

و پس از چند ساعت او را در میان دسته های «عزای طویرج» مشاهده نمودم که زخمهای سرش خوب شده و با شور و هیجان زائد الوصفی عزاداری می کند گویا خراش بسیار مختصری بر سرش وارد شده است.

پزشک عراقی می گفت: من از این جریان در شگفت شدم و به خود گفتم: یا آن اطلاعات و علمی که ما در دانشکده طب آموخته ایم باطل است، و یا اینکه این شخص بشر نبوده است، و گرنه این جراحات می بایست حتماً کار این شخص را ساخته باشد!!!
من به او گفتم: نه آن است و نه این، تمام معلومات و درسهائی که شما در دانشکده طب خوانده اید درست است، و این فرد هم بشر و انسان بوده است، و این گونه کارها هم می بایست انسان را از پا در آورد، همه اینها که گفتمی درست است.
اما یک چیز سومی هست و آن معجزه امام حسین _ علیه السلام _ است که خداوند به آن حضرت عنایت فرموده است.

نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی

نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی

تمامی مراجع تقلید که در مورد شعائر حسینی و خصوصاً قمه زنی از آنان سؤال شده است در جواب فرموده اند: که قمه زنی کاری است درست و جایز، و حتی انجام آن مستحب است، و بعضی هم آن را در پاره ای موارد واجب دانسته اند، و نسبت به انجام آن مردم را بسیار تشویق کرده اند، که در این جزوه تنها به چند نمونه از فتاوی اشاره می کنیم:

فتاوی میرزای نائینی «قدس سره»

مردم بصره تلگرافهائی را به رئیس الفقهاء مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین نائینی «اعلی الله مقامه» مخابره نمودند، ایشان در جواب نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

به سوی مردم بصره و اطراف آن

پس از تقدیم سلام به برادران عزیز و محترم اهالی منطقه بصره و رحمت و برکات الهی.

در «کژاده شرفیه» تلگرافات و نامه های شما به دست ما رسید که در آنها از حکم شرعی دسته های عزاداری و هیئات پرسیده بودید، اینک که بحمدالله به سلامت وارد نجف اشرف شده ایم، با بیان چند مسئله به پاسخ سؤالهای شما می پردازیم:

مسئله اول: بیرون آمدن دسته های عزاداری در دهه عاشورا و روزهای مانند آن که در خیابانها براه می افتند، بدون شک بیرون آمدن این دسته های عزاداری جایز بلکه دارای رجحان بوده و از ظاهرترین نمونه هائی است که به وسیله آن عزای آن امام شهید و مظلوم به پا داشته می شود، و از جمله آسان ترین وسائل برای تبلیغ دعوت حسینی است نسبت به هر دور و نزدیکی.

و لکن بسیار لازم است که این شعائر بزرگ از برنامه هائی که شایسته عبادتی مانند آن نیست منزّه باشد و از موسیقی و غناء و به کار بردن آلات لهو هل دادن یکدیگر به منظور جلو افتادن دسته ای بر دسته دیگر و محله ای بر محله دیگر و این قبیل کارها باید جدا اجتناب شود.

و اگر در مراسم عزاداری کارهای ناشایستی از این قبیل انجام گرفت فعل حرامی است که همان عمل حرام است و حرمتش به دسته عزاداری سرایت نمی کند، و مانند نگاه کردن به زنان نامحرم در حال نماز است که کار خوبی نیست اما موجب باطل شدن نماز نمی شود.

مسئله دوم: بدون شک با دست به صورت و سینه کوبیدن در حدی که موجب سرخ شدن و سیاه شدن بدن شود اشکالی نداشته، بلکه بنابر اقوی حتی با زنجیر بر شانه‌ها و پشت کوبیدن نیز در حد سرخ شدن و سیاه شدن بدن جایز است، بلکه حتی اگر سینه زنی و زنجیر زنی موجب بیرون آمدن مقداری هم خون گردد.

و اما بیرون آوردن خون از پیشانی به وسیله شمشیرها و قمه‌ها آن هم بنابر اقوی جایز است، در صورتی که انسان از ضرر آن در امان باشد، و تنها خون از پیشانی بیرون آید بی آنکه صدمه ای بر استخوان سر وارد شود، و خون فراوانی که مضر باشد بیرون نیاید، و از این قبیل شرائطی که افراد با تجربه در قمه زنی آگاهند.

ولی در صورتی که اتفاق افتد و خون به اندازه ای خارج شود که زیان دارد و موجب حرمت عمل گردد، مانند کسی است که وضو گرفته و یا غسل کرده یا روزه گرفته است در حالی که از ضرر آن در امان بوده است ولی بعدا معلوم شده است که ضرر داشته است.

و لکن بهتر آن است که آنان که تجربه ای در کار قمه زنی ندارند به خصوص جوانان پر احساسی که به خاطر شدت احساسات اهمیت نمی دهند چگونه ضربه بر خود وارد می سازند، وارد دسته قمه زنی نشوند، زیرا این جوانان بخاطر عظمت مصیبت و پر شدن دلهایشان از محبت حسینی اختیار خود را از دست می دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را بر منطبق ثابت اسلام حفظ کند.

مسئله سوم: ظاهر آن است که اشکالی در جواز شبیه خوانی و نمایشنامه هائی که در میان شیعیان به منظور اقامه عزا و گریه نمودن و گریاندن از قرنهای پیش رواج داشته است نباشد هر چند این برنامه‌ها مستلزم پوشیدن لباس زنانه توسط مردان باشد بنابر اقوی.

گرچه قبلا ما در جواز این مورد اشکال می کردیم و جواز شبیه خوانی را در فتوای چهار سال پیش خود مقید می کردیم، ولی پس از آن که دوباره به این مسئله مراجعه کردیم برای ما روشن شد آنچه که از تشبیه مرد به زن حرام است آن است که انسان رأسا از قیافه مردان خارج شده و قیافه زنان بخود گیرد نه آن صورتی که برای مدتی معین مرد لباس زن را بپوشد بی آن که تغییر قیافه دهد

همان گونه که در این گونه شبیه خوانیها انجام می‌شود.

و لذا ما اخیراً در حواشی «عروة الوثقی» این فتوی را اصلاح نموده ایم، بله البته لازم است شبیه خوانی از محرمات شرعیه مبّرّا باشد، و چنانچه در شبیه خوانی به فرض فعل حرامی انجام گیرد حرمتش به اصل شبیه خوانی سرایت نخواهد کرد همان گونه که گفتیم. مسئله چهارم: طلبهائی که در این گونه مراسم زده می‌شود، تا به حال حقیقت آن برای ما روشن نشده است، اگر مورد استعمال این طلبه‌ها عزاداری و اخبار برای گرد آمدن مردم و هشدار به سواره و پیاده و یا استعمال در هوسه های عربی و مانند آن باشد و در موارد شادی و لهو و لعب مورد استفاده قرار نگیرد همانطور که در نجف اشرف پیش ما شناخته شده است ظاهراً جایز باشد، خدا بهتر می‌داند.

۵ ربیع الاول سال ۱۳۴۵ هجری قمری

حرّره الأحقر

محمد حسین الغروی النائینی

تأیید بقیه مراجع تقلید نسبت به این فتوا

پس از این فتوی بسیاری از بزرگان از مراجع تقلید و فقهای عظیم الشان فتوای مرحوم نائینی را مورد تأیید قرار داده و آن را امضاء نمودند، مانند:

۱. مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم «قدس سره».
 ۲. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی «قدس سره».
 ۳. مرحوم آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی «قدس سره».
 ۴. مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین کاشف الغطاء «قدس سره».
 ۵. مرحوم آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی «قدس سره».
 ۶. مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین مظفر «قدس سره».
 ۷. مرحوم آیت الله العظمی سید حسین حمامی «قدس سره».
 ۸. مرحوم آیت الله العظمی شیخ کاظم شیرازی «قدس سره».
 ۹. مرحوم آیت الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی «قدس سره».
 ۱۰. مرحوم آیت الله العظمی سید جواد تبریزی «قدس سره».
 ۱۱. آیت الله العظمی سید محمد شیرازی «دام ظلّه».
 ۱۲. مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی «قدس سره».
 ۱۳. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی «قدس سره».
 ۱۴. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری «قدس سره».
 ۱۵. مرحوم آیت الله سید علی فانی «قدس سره».
 ۱۶. مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا طبسی «قدس سره».
- و عدّه دیگری از علما و مراجع تقلید...

نظر کاشف الغطاء کبیر

مرحوم علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب کشف الغطاء خود می‌فرماید:

«اما بعضی از اعمال که مربوط به دین است و دلیل خاصی بر آن نیست، خالی از این نیست که بتوان آنها را وارد ادله عامه نمود و با انجام دادن این کارها انسان قصد موافقت از جهتی داشته باشد، نه از جهت خاص تا آنجا که می‌فرماید: همان گونه که در مقام عزاداری امام حسین _ علیه السلام _ می‌بینیم طفل اعلام می‌زنند یا سنج می‌زنند یا صورتهائی به منظور شبیه خوانی درست می‌کنند، یا به صورت و سینه خود می‌زنند تا گریه و زاری بیشتری انجام دهند».

شیخ خضر بن شلال تأیید می‌کند

شیخ خضر از شاگردان مرحوم کاشف الغطاء کبیر است، که صاحب «الذریعه» درباره او نقل می‌کند که: امیر المؤمنین _ علیه السلام _ را در خواب می‌بیند، حضرت قلمی به دست او می‌دهند، وقتی از خواب بیدار می‌شود همان قلم را در دست خود مشاهده می‌کند، و با آن قلم کتاب «أبواب الجنان» را می‌نویسد که در این کتاب گفته است:

«آنچه که از مجموع روایات بر می‌آید، از آن جمله روایاتی که در مورد زیارت حسین مظلوم _ علیه السلام _ حتی با ترس جانی، رسیده است، اینکه به سر و سینه زدن و جزع و زاری نمودن برای امام حسین _ علیه السلام _ به هر شکلی که باشد حتی اگر بدانند که در دم خواهد مرد جائز است».

تأکید آیت الله العظمی مامقانی

آیت الله العظمی مامقانی «قدس سره» در پاسخ سؤالی که در مورد حکم قمه زنی از ایشان شد نوشتند:

«شایسته نیست که انسان در این امور شبهه کند بلکه اگر فقیه متبحری فتوی به وجوب کفائی این برنامه‌ها را _ در مثل این ازمه که دستهائی تصمیم گرفته اند نور اهل بیت را خاموش کنند _ بدهد نمی‌شود او را تخطئه نمود.

و تمام این شعائر موجب هدایت گروههای بسیاری از غیر مسلمانان خواهد شد، بلکه در بعضی از سرزمینهای هندوستان رسم شده است که آتش فراوانی روشن می‌کنند، و حجله قاسم درست می‌کنند، و از یک در وارد آتش شده و از در دیگر خارج می‌شوند بی آن که آتش در آنان یا در حجله اثر بگذارد.

خداوند هر کس را که برنامه هائی مانند سینه زنی و شبیه خوانی ایجاد کرده است جزای خیر بدهد).

پایان.

نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی «قدس سره»

متوفی ۱۳۶۱ هجری قمری

درباره مجالس عزاداری حضرت امام عظیم حسین بن علی _ علیه السلام _

بسم الله الرحمن الرحيم

در این اعمالی که در مواكب عزا معمول است دلیلی قوی بر حرمت آنها نداریم حتی برای قمه زدن، مادامی که موادی تلف نفس و شبه آن نگردد چنان چه دأب عارفین به آن است پس اقوی جواز این اعمال بلکه رجحان آنها است در راه تعزیه حضرت سید الشهداء ارواح ما فدای او باد چگونه چنین نباشد؟! و حال اینکه این یگانه راه در حاضر و گذشته و آینده برای ابقا و بزرگ ترین شعائر و اعلاء کلمه حق و نظام فرقه است و اگر این نبوده هر آینه خون شهیدان پایمال گشته و بهدر می‌رفت و برای هیچ کس قدر این نهضت معلوم نمی‌گردید. خداوند ما را به راه راست رهنمائی و ثابت گرداند چه او ولی توفیق است.

الأحقر محمد حسین اصفهانی

نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری «قدس سره» متوفی ۱۳۵۵ هجری قمری درباره مجالس سوگواری حضرت سالار شهیدان امام حسین بن علی _ علیه السلام _

بسم الله الرحمن الرحيم

و اما آنچه را که پرسش کرده اید: از اقامه انجمنهای ابی عبدالله الحسین درود خدا بر او باد و از آنچه که معمول بین شیعه است از به سر زدن در مجالس و خیابانها و راه های عمومی، پس گمان ندارم کسی منکر خوبی و رجحان آن باشد مادامی که برخی از محرمات شرعی را در بر نداشته باشد مانند استعمال آلات لهو و غیر آنها. و اما قمه زدن پس اگر زیان به حال فاعل آن ندارد بآسی و باکی بر آن نیست سزاوار نباشد کسی از آن جلوگیری و منع کند، بلکه جمیع انواع تعزیه برای خاطر و دوستی سید الشهداء ارواح ما فدای او باد مشروع و مستحب است مادامی که مشتمل بر آنچه در شرح حرام شده نباشد.

الأحقر عبدالکریم حائری

پی نوشتها

. صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۷ و صحیح ابن ماجه باب فضائل اصحاب رسول الله _ صلی الله علیه و آله و سلم _ و مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۷ و اسد الغابۀ، ج ۲، ص ۱۹، و ص ۱۳۰ و کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۱ و ج ۷، ص ۱۰۷، به نقل از فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۶۲.

. مانند مرحوم آیه الله مامقانی که فتوایش در آخر کتاب خواهد آمد، و همچنین صاحب کتاب «اسرار الشهاده» مرحوم ملا آقا دربندی.

. آنجا که می فرماید ...: «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم» سوره نساء، آیه ۵۹.

. در این روایت تعبیر «لطمن» بسیار آمده است، المنجد در ماده لطم می گوید یعنی: «ضرب خده أو صفحه جسدہ بالكف» یعنی: «لطم: عبارت است از زدن به صورت یا جانی از بدن با کف دست».

. سوره حج، آیه ۳۲.

. منظور اشعار جاهلیت است که از می و معشوق سخن به میان می آمده است.

. سوره شعراء، آیه: ۲۲۴.

. سوره حج، آیه ۳۲.

. البته اگر برای شیعیان میدان نبردی بین حق و باطل پیش بیاید این نمایش و شبیه سازی ها را در نبرد با ستمگران و یزیدیان عصر خود به یک کربلای واقعی تبدیل نموده و با الهام از مکتب حضرت سید الشهداء _ علیه السلام _ آمادگی تحمل هر نوع ضربه و زخمی را در میدان نبرد تا سر حد شهادت دارند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

